

1500 واژه بر کار برد در زبان انگلیسی

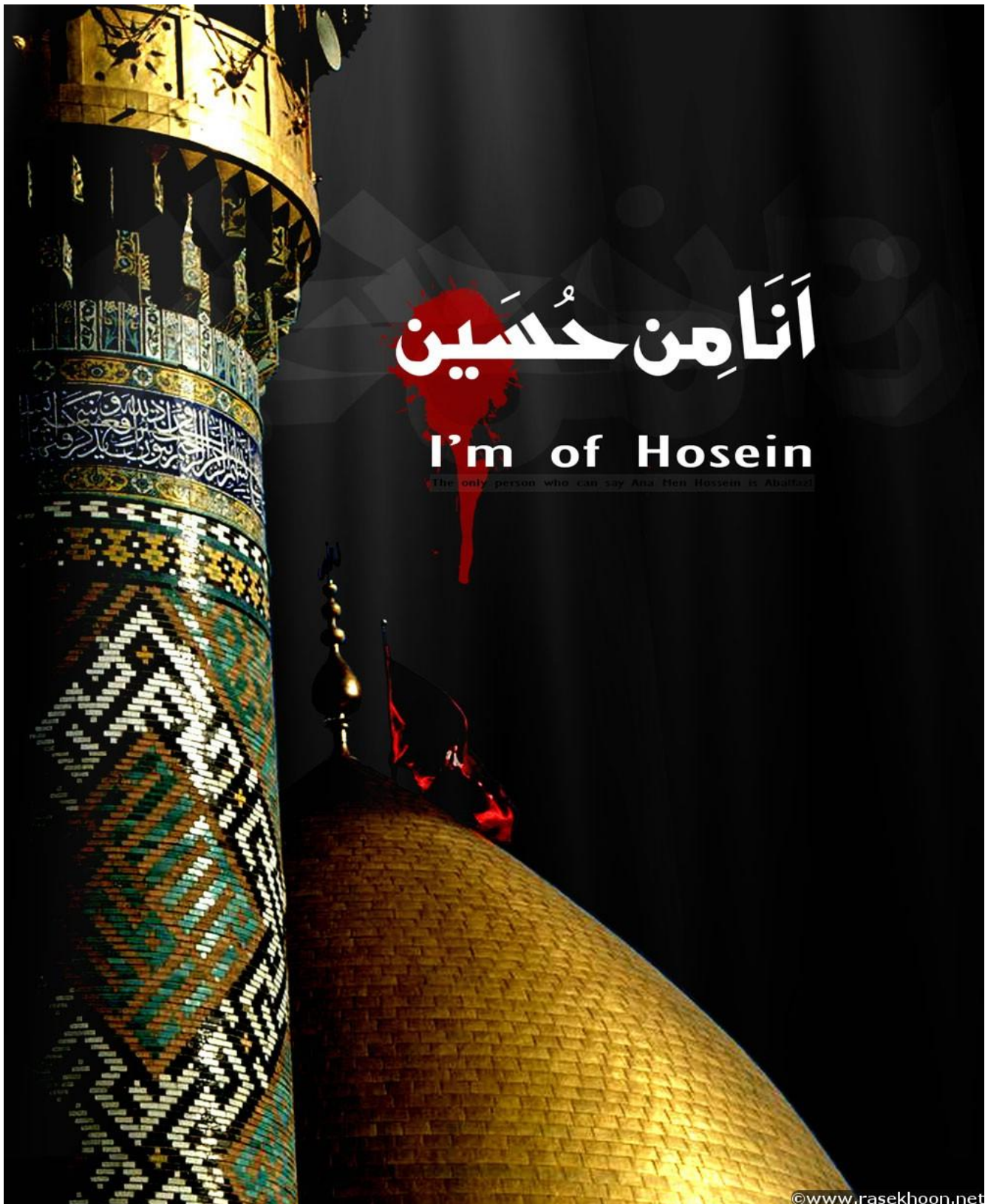


گردآورنده و مترجم: پوریایری

به نام خداوند بخشنده و

مهربان

تقدیم بہ روح پاک و مطہر سید الشہداء امام حسینؑ و یاران باوفایش



کرد آوزند و مترجم: پوریا برزعلی (رزاد)

منبع: www.englishspeak.com

پاییز 1392

محرم 1435

«حق چاپ محفوظ است، استفاده با ذکر منبع مجاز است»

یا حکیم و یا قادر

هبت بلند دارا کر شاه زاده ای	قلع مشوز شاه که تلج و کمردهد
برکن تو جامه ها و در آب حیات رو	تا ماره های خاک تو لعل و کمردهد
بکریز سوی عشق و سپر سیراز آن بتی	کو دلبری نماید و خون جگردهد
در چشم من نماید خوبی بیچ خوب	تقاش جسم، جان راضی صورتدهد

دیوان شمس، مولوی

مقدمه:

سپاس بی کران شایسته خداوند عز و جل که آفریننده هر آنچه هست و نیست است، خداوند حکیم و قادری که گمراهان را بلد راه می گرداند و آنان که فریب غرور و راه بلدی خود را خورده اند بی راه! مجموعه پیش روی شما دوست، خواننده و دانش جوی گرامی یکی (اولین) از سه گانه کتب اینجانب در باب زبان آموزی می باشد که بصورت رایگان چاپ و در دسترس همگان قرار داده ام (حق چاپ محفوظ است، استفاده با ذکر منبع مجاز است) تا بر طریقه و توصیه مولای مردان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) رفته (برای هر چیزی زکاتی است و زکات علم گسترش دادن آن می باشد) و زکات بخشی از دانش فرا گرفته خود را داده باشم.

جای دارد که در انتهای این سخن و در ابتدای این کتاب از والدینم و سپس از دو خواهر عزیزم و دوستانی که همواره بنده را غرق در توصیه و تشویق های گرمشان کرده اند تشکر نمایم آقایان جناب سرهنگ جبار عبدوی و محمد هانی جعفریان.

مشتاقانه منتظر دریافت انتقادات و پیشنهادات سازنده شما دوست گرامی هستم.

پوریا برزعلی (زرّاد)

پاییز 1392

محرم 1435

A

able	توانا(به انجام کاری)، قادر
about	درباره ی
above	بالای، فوق
accept	پذیرفتن
accident	تصادف
accompany	همراهی کردن
action	حرکت
actor	بازیگر
actually	در حقیقت
add	اضافه کردن، به اضافه
address	آدرس
adjective	صفت
adverb	عبارت قیدی
advertisement	تبلیغات
afraid	ترسیدن متاسف
Africa	آفریقا
after	بعد از
afternoon	بعد از ظهر
afterwards	پس از آن، بعد از آن
again	دوباره
against	مقابل، متضاد
agree	موافق بودن
air	هوا
airplane	هواپیما
airport	فرودگاه
all	همه
allergy	آلرژی
allow	اجازه دادن

allow	اجازه دادن
almost	تقریباً
almost	تقریباً
alone	تنها
already	قبلاً، پیش از این
alright	بسیار خوب
also	همچنین
always	همیشه
America	آمریکا
American	آمریکایی
and	و (حرف ربط)
angry	عصبانی (کردن)

B

baby	بچه
back	عقب، پشت (بدن)
back	عقب، پشت (بدن)
backpack	کوله پشتی
bad	بد
bad	بد
badly	بطور بد
bag	کیف
ball	توپ
banana	موز
bank	بانک
bar	میله
basket	سبد
basketball	بسکتبال
bathe	شستشو کردن، استحمام کردن
bathroom	حمام
battery	باطری
be	مصدر فعل بودن، امر فعل بودن، وجود داشتن، بودن، شدن
beach	ساحل دریا
bean	لوبیا
beard	ریش
beautiful	زیبا
beautiful	زیبا
because	برای اینکه، بدلیل اینکه
become	شدن
become	شدن
become	شدن
bed	تخت خواب

bedroom	اتاق خواب
beef	گوشت گاو، بیف
beer	آبجو
before	قبل از
begin	شروع کردن
beginner	تازه کار
behind	پشت، عقب
believe	باور کردن
below	زیر، تحت
belt	کمر بند
beside	کنار
best	بهترین
bet	شرط بستن
better	بهتر
between	بین دو چیز/امر
bicycle	دوچرخه
big	بزرگ
bill	اسکناس
bird	پرنده
birthday	روز تولد
bite	گاز گرفتن
black	سیاه
blanket	پتو
blind	کور، نابینا
blood	خون
blouse	پیراهن، بلوز
blue	آبی ناراحت، غمگین
boat	قایق
body	بدن
book	کتاب
borrow	قرض گرفتن
boss	رئیس
Boston	بوستون
both	هر دو
bottle	بطری
bowl	کاسه

box	جعبه
boy	پسر
boyfriend	دوست پسر
bracelet	النگو
brain	مغز، مخ
bread	نان
break	شکستن
breakfast	صبحانه
breathe	نفس کشیدن
bridge	پل
bring	آوردن
Britain	بریتانیا
broke	ورشکسته، بی پول
broken	شکسته شده، منقطع، منفصل
broken	شکسته شده، منقطع، منفصل
brother	برادر
brown	قهوه‌ای
brush	مسواک برس کفش و لباس
bucket	سطل
buddhist	بودایی
build	ساختن
building	ساختمان
burn	سوختن
bus	اتوبوس
busy	شلوغ مشغول
but	اما
butter	کره
buy	خریدن
by	بوسیله

C

cabbage	کلم
cafe	کافه
cake	کیک
calculator	ماشین حساب
California	کالیفرنیا
call	تماس تلفنی (گرفتن)
came	گذشته فعل آمدن (come)
camera	دوربین
can	کنسرو
Canada	کانادا
Canadian	کانادایی
cancel	لغو کردن، کنسل کردن
cancer	سرطان
candle	شمع
candy	شکلات
capital	پایتخت
car	اتومبیل
card	کارت (بازی یا عضویت)
care	پرستاری، مواظبت
careful	مواظب
carefully	بادقت، با احتیاط، مواظب،
carpet	فرش، قالی
carry	حمل کردن
cash	پول نقد
cassette	کاست
cat	گربه
catch	گرفتن
cd	لوح فشرده (سی دی)
center	مرکز

Centimeter(s)	سانتی متر
Cent(s)	سنت که معادل يك صدم دلار امريكايي است
certainly	حتماً، مطمئناً
chair	صندلی
chance	شانس، بخت و اقبال
change	عوض کردن
change	عوض شدن
channel	کانال
Character	شخصیت
cheap	ارزان
check	بررسی، بررسی کردن چک بانکی
check	بررسی، بررسی کردن چک بانکی
cheese	پنیر
Chicago	شیکاگو
chicken	جوجه
child	بچه
children	بچه‌ها
China	چین
chocolate	شکلات
choose	انتخاب کردن
chopsticks	میله‌های چوبی که چینی‌ها برای خوردن برنج از آن استفاده میکنند
Christian	مسیحی
Christmas	کرسمس
church	کلیسا
circle	دایره
city	شهر
class	کلاس
clean	تمیز (کردن)
clean	تمیز (کردن)
climb	بالارفتن
clock	ساعت

close	بستن، بسته (تعطیل) نزدیک
closed	مسدود، بسته، ممنوع ورود
clothes	لباس
cloudy	ابری
club	کلوپ
coat	کت
coffee	قهوه
cold	سرد
cold	سرد
college	همکار
color	رنگ
comb	شانه
come	آمدن
comfort	راحت، آسودگی، آسایش
comfortable	راحت
common	عمومی معمولی، عادی
company	کمپانی
complain	شکایت کردن
complete	کامل
complicated	پیچیده
computer	کامپیوتر
confirm	تایید کردن، تصدیق کردن
confused	گیج، سردرگم
congratulations	تبریک (گفتن)
congratulations	تبریک (گفتن)
consider	رسیدگی کردن، بررسی کردن
container	صندوقهای فلزی بزرگ با اندازه های استاندارد که جهت حمل کالا با کامیون ،کانتینر، جعبه حاوی وسایل
continent	قاره
convenient	راحت، مناسب
cook	پختن
cook	پختن
copy	کپی (گرفتن)
copy	کپی (گرفتن)

copy	کپی (گرفتن)
cord	یقه
corn	ذرت
correct	صحیح، درست
cost	ارزش
cotton	کتان، پنبه
couch	نیمکت
cough	سرفه (کردن)
could	(زمان ماضی و اسم مفعول فعل) can ، میتوانست
count	شمردن
country	کشور
CURSE	نفرین (کردن)
cover	پوشاندن، جلد (کردن)، پوشش
cow	گاو ماده
co-worker	همکار
crash	تصادف کردن
create	خلق یا ایجاد کردن
crowd	جمعیت
cry	گریه کردن
cup	فنجان
custom	رسم، سنت،
custom	رسم، سنت،
customer	مشتری، ارباب رجوع
cut	قطع کردن، بریدن

D

dad	پدر، بابا
dance	رقصیدن
dangerous	خطرناک
dark	تیره
date	خرما تاریخ
daughter	دختر
day	روز
dead	مرده
December	دسامبر
decide	تصمیم گرفتن
deep	عمیق
definitely	دقیقا
degree	درجه
delete	حذف کردن
delicious	خوشمزه
deliver	تحویل دادن
dentist	دندانپزشک
deodorant	بوزدا، برطرف کننده بوی بد، ماده دافع بوی بد
dessert	صحرا
develop	توسعه، پیشرفت
dictionary	فرهنگ لغت
did	(زمان ماضی فعل do)، کرد، انجام داد
did	(زمان ماضی فعل do)، کرد، انجام داد
different	متفاوت
difficult	سخت، غامض
dinner	شام
dirty	کثیف، آلوده

disappoint	مایوس کردن/شدن، ناامید کردن/شدن
discount	تخفیف(گرفتن/دادن)
distance	فاصله، مسافت، دوری
divide	تقسیم کردن
divorce	طلاق گرفتن
do	انجام دادن
doctor	دکتر
dog	سگ
dollar	دلار
done	انجام شده، وقوع یافته
door	درب
down	پایین
download	فرایند انتقال اطلاعات از یک سیستم کامپیوتر مرکزی بزرگ به سیستم کامپیوتر کوچک و دور بارگیری
downstairs	طبقه پایین
downtown	مرکز شهر
drag	کشیدن(چیز سنگینی که روی زمین کشیده میشود)
draw	کشیدن، رسم کردن
dream	رویا خواب دیدن
dream	رویا خواب دیدن
dress	لباس(پوشیدن)
dress	لباس(پوشیدن)
drink	نوشیدن نوشیدنی
drive	رانندگی کردن سواری کردن
drive	رانندگی کردن سواری کردن
dragon	اژدها
dry	خشک (کردن)
dry	خشک (کردن)
dryer	خشک کن
duck	اردک

during	درمدت، در هنگام، در جریان، در طی
--------	----------------------------------

E

ear	گوش
earlier	زودتر
early	زود
earrings	گوشواره
east	شرق
easy	آسان
eat	خوردن
effort	تلاش
egg	تخم مرغ
electric	الکتریکی، برقی
electricity	برق، نیروی کهربایی، الکتریسیته
elevator	آسانسور
email	پست الکترونیکی
embarrassed	خجالت دادن، شرمسار شدن
embassy	سفارت
employee	کارمند
empty	خالی
enough	کافی، بس، باندازه کافی
enter	داخل شدن، وارد شدن
entrance	ورود، ورودی
envelope	پاکت نامه
equal	مساوی، برابر
Europe	اروپا
evening	عصر، غروب
every	هر، همه
everybody	هرکس، هرکسی
everyday	هر روز
everything	هر چیزی
example	امتحان
excellent	عالی، ممتاز، بسیار خوب
except	بجز، باستثنای

excuse	عذر، بهانه
exercise	تمرین ورزش
exit	خروج، خروجی
expensive	گران (قیمت)
expert	ماهر، متخصص
explain	توضیح دادن
extremely	خیلی زیاد، مفرط
eye	چشم

F

face	صورت، چهره
fact	حقیقت
factory	کارخانه
fake	قلابی
fake	تقلبی
fall	افتادن سقوط کردن
false	غلط، نادرست
family	خانواده
famous	مشهور، معروف
far	دور
farm	مزرعه
fashion	مُد
fat	چاق
father	پدر، بابا
fax	دورنما
february	فوریه
feed	خوردن خوراک دادن، غذا دادن
feel	احساس (کردن)
fever	تب
field	کشتزار صحراء، دشت
fight	جنگ، جنگیدن
find	پیدا کردن، یافتن
finger	انگشت
finish	تمام کردن، به پایان رساندن

finish	پایان ، اتمام
finished	پایان
fire	آتش
fish	ماهی
fish	ماهی
fit	اندازه بودن
fix	ثابت (کردن/شدن)
flag	پرچم
flat	صاف و مسطح
flight	پرواز (کردن)
floor	کف(زمین) طبقه
flower	گل
fluent	روان، سلیس، فصیح
fly	پرواز کردن
fog	مه
food	غذا
fool	نادان، احمق، ابله
foot	پا
foot	فوت (مقیاس طول انگلیسی معادل پ اینچ)
for	برای
foreign	خارجی
foreigner	بیگانه، خارجی
forget	فراموش کردن
fork	چنگال
forward	جلو، به جلو ارسال کردن
found	(زمان ماضی و اسم فعل Find)
France	فرانسه
free	آزاد
free	مجانی، رایگان
free-time	زمان آزاد
friday	آدینه، جمعه
fried	(گذشته فعل Fry)، سرخ کرده
friend	دوست، رفیق
from	از، بواسطه
front	جلو، بطرف جلو
fruit	میوه
fry	سرخ کردن

full	نباشته، پر (کردن/شدن)، لبریز
funny	مضحك
future	آینده

G

game	بازی (کردن)
garbage	آشغال
garbage	زباله
garden	باغ
gas	گاز
generally	بطور کلی، معمولا
Germany	آلمان
get	بدست آوردن، گرفتن
gift	هدیه (دادن/گرفتن)
girl	دختر
give	دادن
glad	خوشحال
glass	شیشه
glass	لیوان
glasses	عینک
glove	دستکش
go	رفتن
goal	هدف
goat	بُر
gold	طلا
golf	بازی گلف
good	خوب
goodbye	خداحافظ
government	دولت
grade	دسته بندی کردن، طبقه بندی کردن کلاسه کردن نمره (دادن)
graduate	دار، فارغ التحصیل شدن
grandfather	پدر بزرگ
grandfather	پدر بزرگ
grandmother	مادر بزرگ

grandmother	مادر بزرگ
grass	علف، چمن
grateful	سپاسگزار، ممنون
gray	(رنگ) خاکستری
green	(رنگ) سبز
ground	زمین
group	گروه
grow	رشد کردن، بزرگ شدن
guarantee	ضمانت (کردن)
guest	مهمان
gum	لثه آدامس
gun	تفنگ
gym	باشگاه ورزشی

н

hair	مو
hairbrush	بروس موي سر
Hail	تگرگ (باريدن)
hamburger	همبرگر
hand	دست
happy	خوشحال
happy	شادمان
has	دارد
hat	کلاه
have	داشتن، دارا بودن
he	او (ان مرد)، جانور نر
head	سر
headache	سر درد
headphones	گوشی (هدفون)
hear	شنيدن
heart	قلب
heat	گرما، گرمي (حرارت)
heater	بخاری
heavy	سنگين
height	بلندي، ارتفاع، جاي مرتفع
hello	سلام
help	کمک
help	کمک کردن
help	راهنما (به عنوان مثال در منوی برنامه- های کامپیوتری)
here	اینجا، در اینجا
her's	مال انزن (فرق میان her و hers اینست که her همیشه با موصوف گفته میشود ولي hers تنها وبطور مطلق بکار میرود)
herself	خودش (انزن)، خود ان زن، خودش را
high	بلند

highway	بزرگ راه
hike	پیاده روی
hill	تپه
himself	خودش، خود او (در حال تاکید)، خود (ان مرد)
his	ضمیر ملکی سوم شخص مفرد مذکر، مال او (مرد)، مال آنمرد
history	تاریخ
hit	ضربت، اصابت کردن به
hobby	عادت
hold	نگه داشتن
hole	حفره، سوراخ، گودال
holiday	تعطیلات
home	خانه
homework	تکلیف خانه، مشق
hope	امید
horse	اسب
hospital	بیمارستان
hot	گرم، داغ
hotel	هتل
hour	ساعت
house	خانه
how?	چگونه؟، چطور؟
hug	بغل کردن
hungry	گرسنه (بودن)
hurt	آسیب رساندن
human	انسان
hood	کلاهک دودکش کاپوت ماشین
honey	عسل
husband	شوهر

۱

	گفته میشود)
ice	یخ
ice-cream	بستنی
idea	ایده
if	اگر
t imagine	خیال(کردن)، تخیل (کردن)
immediately	فوراً
immigration	مهاجرت
important	مهم
impossible	غیرممکن
impressive	موثر، برانگیزنده احساسات، گیرا
inch	اینچ (مقیاسی که برابر 2.54 سانتیمتر می باشد)
include	شامل شدن/بودن
individual	شخص، فرد
information	اطلاعات
inside	داخل، درون
insomnia	بیخوابی
insurance	بیمه
interesting	جالب
Internet	اینترنت
interrupt	حرف دیگری را قطع کردن، وسط حرف دیگری پریدن
introduce	معرفی کردن
invent	اختراع کردن
iron	آهن اتو کردن
is	است، هست (سوم شخص مفرد از فعل)
island	جزیره
it	آن، آن چیز، آن جانور، او (ضمیر سوم شخص مرد)

J

jail	زندان
January	ژانویه، اولین ماه سال مسیحي
Japan	ژاپن
Japanese	ژاپنی
Jewel	جواهر
jeans	شلوار جین، فاستونی نخی
Jewish	یهودی
job	کار، شغل، پیشه
joke	لطیفه
July	ماه ژوئیه
jump	پریدن، جست زدن
June	ماه ژوئن پنجمین ماه سال مسیحي
just	فقط، تنها

к

keep	نگهداری کردن، نگه داشتن
key	کلید
kid	کودک، بچه
kill	کشتن، به قتل رساندن
kilo	یک کیلوگرم (معادل هزار گرم)
kilometers	کیلومتر (معادل 1000 متر)
king	پادشاه
kettle	کتری
kiss	بوسه، بوسیدن
kitchen	آشپزخانه
knife	چاقو
know	دانستن
know	شناختن

L

lack	فقدان، فاقد بودن
lake	دریاچه، برکه
lamp	لامپ
language	زبان (زبان سخنگویی)
laptop	لپ تاب،
large	وسیع، جادار، پهن بزرگ، حجیم
last	آخرین
late	دیر شدن
later	بعداً
laugh	خندیدن
laundromat	ماشین لباسشویی
law	قانون
lawyer	وکیل
Leader	رهبر، پیش آهنگ
lazy	تنبل
learn	یادگرفتن، آموختن
leather	چرم
leave	رهسپار شدن، عازم شدن رها کردن، دست کشیدن از
Lesson	درس (دادن)
left	چپ (سمت چپ)
leg	پا
lend	قرض دادن
less	کمتر
let	اجازه دادن
level	سطح، تراز، میزان

letter	نامه
letter	حرف الفباء، حرف، حرف چاپی
library	کتابخانه
license	گواهینامه
lie	دروغ گرفتن
lie	دراز کشیدن
life	زندگی
life-jacket	جلیقه نجات
light	نور
light	سبک وزن
Lift	بلند کردن
like	دوست داشتن
listen	گوش دادن/کردن
liter	لیتر
Lighter	فندک
little	کوچک
live	زنده، زنده بودن
lock	قفل، قفل کردن/شدن
long	طولانی، بلند
look	نگاه کردن
lose	گم کردن، مفقود کردن
lose	شل(شدن/کردن)ش
lost	گم شدن
lotion	
lots	
louder	بلندتر
love	عشق
low	
luck	
luggage	
lunch	نهار، ظهرانه

M

magazine	مجله
mail	نامه (دادن/گرفتن)
major	مهم
majority	اکثریت
make	ساختن
magic	جادو، سحر
make-up	آرایش کردن، گریم کردن
male	مرد، جنس نر
mall	مرکز خرید، پاساژ
man	مرد
manage	مدیریت کردن
manager	مدیر
many	خیلی، زیاد
map	نقشه
March	ماه مارس
market	مغازه
marry	عروسی کردن (با)، ازدواج کردن
midway	نیمه راه، وسط مسیر
match	همتا، نظیر، جور بودن با کبریت
math	ریاضی
matter	موضوع
May	ماه مه
maybe	شاید
me	(در حالت مفعولی) مرا، بمن
mean	معنی و مفهوم، معنی دادن میانگین
meat	گوشت
Mecca	مکه معظمه
medicine	دارو
meet	ملاقات کردن

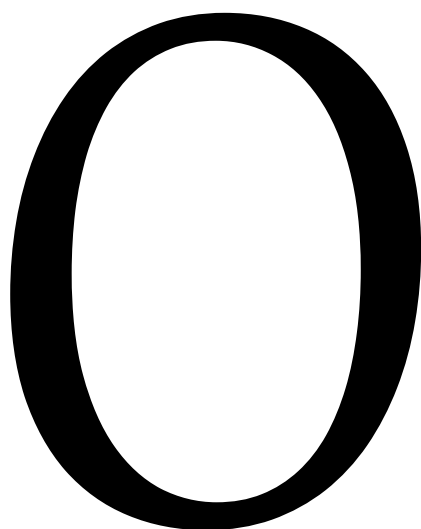
meeting	جلسه
menu	فهرست خوراك، صورت غذا، فهرست انتخاب
metal	فلز
meter	متر (معادل 100 سانتی متر)
Mexican	مکزیکي
Mexico	مکزیک
microphone	میکروفن
microwave	ماکرو ویو
middle	وسط، میان چیزی
middle age	میان سال
mile	مایل (برابر با ¹ 164 متر، مقیاس سنجش مسافت)
milk	شیر خوراکی
mind	ذهن
mine	مال من معدن
minute	دقیقه (معادل 60 ثانیه)
mirror	آینه
Miss	دوشیزه گم کردن از دست دادن احساس فقدان چیزی یا کسی را کردن، دلتنگ شدن
mistake	اشتباه (کردن)
Mister	آقا (مختصر آن Mr. است)
modern	نوین، امروزي، کنونی، جدید، مُدرن
Monday	دوشنبه
money	پول
month	ماه (ماههای سال)
moon	ماه آسمان
more	بیشتر، زیادتر، بیش
morning	صبح
most	بیشترین، زیادترین، بیش از همه
mother	مادر
motorcycle	موتورسیکلت
mountain	کوه، کوهستان
mouth	دهان
move	حرکت (کردن)

mouse	موش
movie	فيلم
Mrs.	خانم، بانو
much	زياد، بسيار، خيلي (غير قابل شمارش)
muscle	ماهيچه، عضله
museum	موزه
music	موسيقى
Muslim	مسلمان
must	بايد
my	مال من، متعلق بمن، مربوط بمن
myself	خودم، شخص خودم

N

name	نام
napkin	دستمال
narrow	باریک
natural	طبیعی
near	کنار نزدیک
nearby	نزدیک
necessary	ضروری، لازم
neck	گردن
necklace	گردن بند
need	لازم داشتن، احتیاج داشتن
neighbor	همسایه
never	هرگز، هیچ وقت
new	جدید، نو، تازه
newspaper	روزنامه
next	بعد، سپس، بعد از
nice	زیبا، قشنگ خوب
night	شب
nighttime	شب، شبانگاه (یعنی از مغرب تا سپیده دم)
no	نه، خیر
nobody	هیچ کس
noise	سرو صدا پارازیت
noisy	پرسرو صدا، شلوغ
none	هیچ، هیچک، هیچکدام،
non-smoking	غیر سیگاری
normal	معمولی، نرمال
north	شمال (جهت جغرافیایی)
nose	بینی
not	نه خیر، حرف منفي

note	یادداشت کردن
notebook	دفتر یادداشت
nothing	هیچ، نیستی
notice	شناختن
noun	اسم، نام، موصوف
November	نوامبر، نام ماه یازدهم سال فرنگی
now	حال، اکنون
nowhere	هیچ جا، هیچ کجا، در هیچ مکان
number	عدد



object	موضوع
occupied	اشغال شده ،مسکون
ocean	اقیانوس
October	ماه اکتبر
odor	بو ، رایحه، عطر
of	بسبب، بوسیله
office	اداره
often	اغلب اوقات
oil	روغن
ok	بسیار خوب
ok	صحیح است
old	پیر
on	روی، بر روی روشن
once	یکبار، یک مرتبه
only	فقط، تنها
open	باز
opportunity	فرصت ، مجال ، شانس
opposite	مخالف، متضاد
Oral	شفاهی، زبانی
or	یا
orange	پرتقال
orange	رنگ نارنجی
order	فرمان، دستور
ordinary	معمولی، عادی، متداول،
organization	سازمان ، تشکیلات
original	اصلی، اصلی
orphan	طفل یتیم
other	دیگران
Ouch	آخ، واخ(علامت تعجب و درد)
our	ما

ours	مال ما
ourselves	خودمان
outdoors	خارج از منزل، در هوای آزاد، بیرون
Outlaw	یاغی، متمرّد، قانون شکن غیرقانونی اعلام کردن، ممنوع ساختن
outside	بیرون، برون
over	پیشوندی بمعنی زیاد و زیاده و بیش بالای، روی، بالای سر، بر فراز آن طرف پایان یافتن، به انتها رسیدن

P

package	بسته، بسته بندی کردن
page	صفحه
pain	درد، رنج، درد دادن، درد کشیدن
paint	نگارگری کردن نقاشی کردن
piano	پیانو
painting	رنگ کردن
pan	ماهی تابه
pants	شلوار
paper	کاغذ
parents	والدین
park	پارک شهر
park	اتومبیل را پارک کردن
part	بخش، قسمت
participate	شرکت کردن، مشارکت کردن
party	مهمانی
passport	گذرنامه
password	کلمه عبور، رمز عبور
pattern	الگو، طرح
pay	پول دادن، پرداخت هزینه یا اجرت
pen	خودکار
pencil	مداد
people	مردم
pepper	فلفل
pair	جفت، هر چیز دو جزئی
perhaps	شاید
person	شخص، نفر، آدم، کس
pharmacy	داروخانه
phone	تلفن
photograph	عکس
piece	تکه، قطعه

pig	خوک
pillow	متکا، بالشت
place	مکان، محل
plan	برنامه (ریختن)
plant	طرح، نقشه (کشیدن)
plate	بشقاب
play	بازی کردن
play	ساز زدن، آلت موسیقی نواختن
player	نوازنده، هنرپیشه بازیکن، بازیکن ورزشی
pajama	پیژامه، لباس خواب
pleasant	خوش آیند، دلپذیر، مطبوع
please	لطفاً، خواهشمند است کیف کردن
police	پلیس
poor	فقیر
pour	ریختن (مثل آب ریختن)
popular	مشهور، معروف
powerless	بی قدرت، بی زور
Powerful	پر قدرت، قوی
position	موقعیت
possible	ممکن
percent	درصد
postcard	کارت پستال
pound	پوند (واحد وزن)
power	قدرت، زور
practice	تمرین (کردن)
prepare	آماده شدن
present	حاضر (بودن)
president	رئیس جمهور
press	فشار دادن، ماشین فشار
pretend	وانمود کردن، تظاهر کردن
pretty	زیبا، قشنگ
previous	پیشین، قبلی، سابق، اسبقی، جلوتر، مقدم
price	قیمت، بها
probably	محتماً، شاید
problem	مشکل، مسئله
produce	تولید (کردن)
progress	پیشرفت کردن، پیشرفت

pronounce	تلفظ کردن
pronunciation	تلفظ
protect	محافظت کردن
province	استان
psychology	روانشناسی
pull	کشیدن، بطرف خود کشیدن، کشش کشیدن دندان
purse	کیف پول (زنانه)
push	با زور جلو بردن، هل دادن
put	قرار دادن، گذاشتن

Q

quality	کیفیت
question	سوال، پرسش
quick	تند، چابک، فرز، چُست، سریع
quickly	بسرعت، تند
quiet	خמוש، آرامش، آرام، بیصدا، آرام کردن، ساکت کردن ساکن

R

radio	رادیو
rabbit	خرگوش
rain	باران، باران آمدن/بایردن
razor	تیغ صورت تراشی با تیغ تراشیدن
read	خواندن، مطالعه کردن
race	مسابقه، مسابقه دادن
radar	رادار (مسافت یاب و ردیاب رادیویی)
really	واقعی، حقیقی واقعاً!
receipt	رسید، اعلام وصول، دریافت، رسید دادن
receive	دریافت کردن، وصول کردن
recently	اخیراً
recommend	سفارش کردن توصیه کردن، توصیه شدن، معرفی کردن
record	ضبط کردن ثبت و ضبط (کردن)
red	رنگ قرمز
refrigerator	یخچال برقی
regret	پشیمانی، افسوس، تاسف، افسوس خوردن
Religion	دین، مذهب
remember	به یاد/خاطر آوردن به یاد/خاطر سپردن
remind	یادآوری کردن، یادآور شدن، بیاد آوردن
rent	اجاره کردن
repair	تعمیر کردن
repeat	تکرار کردن

replace	جانشین شدن یا کردن، چیزی را تعویض کردن، جایگزین کردن
reply	پاسخ دادن
research	تحقیق کردن، جستجو کردن
reserve	رزرو کردن
rest	استراحت کردن
rest	سایرین، دیگران، باقیمانده، الباقی، بقایا
restaurant	رستوران
rainbow	رنگین کمان
random	تصادفی، راندوم
Ramadan	ماه رمضان
reverse	بازگشت، برگشت، برگرداندن، برگشتن
review	معکوس (کردن)، وارونه
revise	تجدید نظر (کردن)
rice	برنج
rich	ثروتمند، توانگر
right	درست
right	سمت راست
ring	حلقه، انگشتر
river	رودخانه
road	جاده، راه، معبر
rock	صخره
room	اتاق
rope	طناب
round	گرد، مدور، دایره وار دوربازی
rule	قاعده، قانون
run	دویدن
row	صف
Russia	روسیه

S

sad	غمگین، ناراحت
section	بخش، قسمت
safe	امن
salad	سالاد
salt	نمک
same	یکسان، یکنواخت
sand	ماسه، شن، ریگ، شن کرانه دریا
sandwich	ساندویچ
Saturday	شنبه
save	ذخیره کردن
say	گفتن، بیان کردن
scarf	روسری
schedule	جدول زمان بندی
school	مدرسه
scientist	دانشمند
scissors	قیچی
secretary	منشی، مسئول دفتر
score	امتیاز، امتیاز گرفتن، حساب امتیازات
scream	جیغ کشیدن
seafood	غذای دریایی
season	فصل
seat	صندلی، نیمکت، نشیمنگاه
second	ثانیه
secret	راز
see	دیدن
seem	بنظر آمدن، نمودن
sell	فروختن
send	فرستادن، ارسال داشتن
seasick	دریازده، مبتلا به استفراغ و بهم خوردگی حال در سفر دریا
sentence	جمله

separate	جدا، جداگانه، جدا کردن، تفکیک کردن
September	سپتامبر، نهمین ماه تقویم مسیحی
serious	جدی
several	چند، چندین، برخی از، متعدد
shampoo	شامپو
share	قسمت کردن، تقسیم کردن
seed	بذر، دانه
shave	اصلاح صورت
she	او، آن دختر یا زن، جانور ماده
shirt	پیراهن
shoes	کفش
short	کوتاه، کوچک شلوار کوتاه
should	باید، بایست، بایستی (زمان ماضی و اسم مفعول فعل معین shall)
shoulder	شانه، دوش، کتف
shout	داد زدن، فریاد
show	نشان دادن، نمودن
show	نمایش
shower	دوش حمام
shut	بستن، برهم نهادن، بسته، مسدود
sick	مریض، بیمار
sign	امضاء کردن، امضاء
sign	نشان، نشانه، علامت، تابلوی آگهی‌ها
silent	ساکت، بیصدا
simple	ساده کردن، راحت
since	بعد از، پس از، از وقتی که
sing	آواز خواندن
Sir	آقا، شخص محترم، شخص و الامقام
sister	خواهر
sit	نشستن، جلوس کردن
situation	موقعیت، وضعیت
size	سایز، اندازه
ski	اسکی، اسکی بازی کردن
skill	مهارت
skin	پوست
skirt	دامن
sky	آسمان
sleep	خوابیدن

slow	آهسته، کند، تدریجی
slower	آهسته تر، کندتر
slowly	به آهستگی، به کندی، به آرامی
small	کوچک
smart	زرنگ، زیرک، باهوش
smell	بو دادن، بو کردن
smile	لبخند زدن
smoke	دود سیگار کشیدن
snack	مار
sneeze	عطسه، عطسه کردن
snow	برف، برف باریدن
so	چنین، پس
soap	صابون
soccer	فوتبال، بازی فوتبال
socks	جوراب
site	جا، محل، مکان
software	نرم افزار
solution	راه حل
some	برخی، بعضی، چندان، قدری، کمی از، تعدادی
someday	بعضی روزها
someone	کسی، شخصی، یک کسی
something	چیزی، يك چیزی
sometimes	بعضی وقتها
son	فرزد ذکور، پسر
song	آواز، ترانه
soon	بزودی، زود، عنقریب
sore	زخم، ریش، جراحت
sorry	ببخشید
skate	اسکیت بازی کردن، کفش چرخدار
skyscraper	آسمان خراش
seaside	دریا کنار
so-so	نه، نه خوب و نه بد، حد وسط
sound	صدا بنظر آمدن
soup	آبگوشت، سوپ
sour	ترش، تند، ترش بودن، مزه اسید داشتن
south	جنوب

speak	صحبت کردن
sea	دریا
special	مخصوص
spell	هجی کردن
spend	صرف کردن، پرداخت کردن خرج کردن
spicy	ادویه دار، ادویه زده، فلفلی
spoon	قاشق
sport	ورزش
spring	بهار چشمه فنر
stair	پله، پله کان
stamp	تمبر
stand	ایستادن، ایست کردن
standard	استاندارد
scholarship	کمک هزینه دانشجویی، بورسیه دانشجویی
star	ستاره
start	استارت، شروع، آغاز
station	ایستگاه، جایگاه، ایستگاه اتوبوس و غیره
stay	ماندن، توقف کردن، نگاه داشتن
steak	باریکه گوشت کبابی (استیک)
steal	دستبرد زدن، دزدیدن، بسرقت بردن، ربودن
steam	بخار، بخار آب، بخار دادن، بخار کردن
scan	اسکن کردن، پویندن
still	هنوز، باز هم، هنوز هم، معذک
stranger	ناشناس، بیگانه، خارجی
stomach	شکم
saw	اره، کردن
stop	ایست، ایستادن، توقف کردن از کار افتادن
store	انبار، مخزن، اندوختن، انبار کردن
straight	راست، مستقیم
strange	عجیب، غیر متجانس
street	خیابان
stretch	کشیدن، کش آمدن، کش آوردن، کش دادن، گشاد شدن، ارتجاع
strong	قوی، پر زور

student	دانش آموز
study	مطالعه کردن، درس خواندن
stupid	کودن، احمق
subtract	کاستن، کم کردن، تفریق شدن، منها کردن
subway	مترو، قطار زیر زمینی
succeed	کامیاب شدن، موفق شدن
sugar	شکر
suggest	پیشنهاد کردن
summer	فصل تابستان
sun	خورشید
Sunday	یکشنبه
sunglasses	عینک آفتابی
sunny	آفتابی
supermarket	مغازه بزرگ
supply	فراهم کردن، تهیه کردن
support	حمایت کردن
sausage	متعجب ساختن، غافلگیر کردن
surprise	سوسیس
swear	سوگند خوردن، قسم دادن
swear	فحش، ناسزا گفتن
sweater	پلوور، ژاکت
sweet	شیرین خوش، مطبوع
swim	شنا کردن

T

table	میز
tail	دُم
take	گرفتن، ستاندن
taboo	تابو، حرام، منع یا نهی مذهبی، حرام شمرده
talk	حرف زدن
tall	بلند قد بلند
tape	بانوار یا قیطان بستن، نوار نوار ضبط صوت ضبط کردن نوارچسب، نوار زدن
taste	مزه، مزه دادن، چشیدن
taste	ذوق، سلیقه
tag	اتیکت چسباندن به، برچسب زدن، برچسب
taxi	تاکسی
tea	چایی
teach	درس دادن
team	تیم، گروه
teeth	(صورت جمع کلمه tooth)، دندانها
tell	گفتن، بیان کردن، نقل کردن
temperature	دما
tennis	بازی تنیس
terrible	بسیار بد هولناک، سهمناک
test	آزمون، آزمایش، امتحان کردن، محک، محک زدن
Texas	استان تکزاس در کشور امریکا
than	نسبت به، تا، که، تا اینکه، بجز، غیر از
that	آن، اشاره بدور، آن یکی که، برای آنکه

their	خودشان، مال ایشان، مال آنها
translator	مترجم
them	ایشان را، بایشان، بانها
themselves	خودشان، خودشانرا
then	سپس، پس (از ان)، بعد، نگاه، در ان هنگام
transfer	انتقال، انقال دادن، منتقل کردن
theory	تئوری
there	انجا، درانجا، به انجا، بدانجا، انجا، ان مکان
these	اینها، اینان
they	انها، ایشان، انان
thick	انها، ایشان، انان
thin	نازك، باریك، لاغر، لاغر کردن، نازك شدن
thing	چیز، شيء
train	ورزش کردن
think	فکر، فکر کردن
tunnel	تونل
tragic	حزن انگیز، غم انگیز
this	این، (صورت جمع ان these است)
those	انها، انان
thought	گمان، اندیشه، فکر، خیال،
Traffic lights	چراغ راهنمایی و رانندگی
throat	گلو، نای
throw	پرتاب، انداختن، پرت کردن، افکندن
Thursday	پنج شنبه
ticket	بلیط
tie	دستمال گردن، کراوات
tie	گره، گره زدن
time	زمان، وقت
tiny	ریز، خرد، کوچولو، بسیار کوچک
tip	انعام
tire	خسته کردن، خسته
tissue	دستمال کاغذی
today	امروز
toe	انگشت شست پا
tradition	رسم، سنت
together	باهم، به همراه هم
toilet	دستشویی، سرویس بهداشتی

told	(زمان ماضي و اسم مفعول فعل tell)، گفته شده
tomato	گوجه فرنگي
tomorrow	فردا
tonight	امشب
tool	ابزار
toothbrush	مسواک
top	سر، بالا، اوج، فوقاني عالي
total	کل، کلي، تام، مجموع، جمع، جمله، سرجمع، حاصل جمع
touch	لمس کردن
tourist	توریست، گشتگر، جهانگرد، سیاح، جهانگري کردن
towel	حوله
town	شهر
tractor	تراکتور
toy	اسباب بازی
traffic	ترافیک، حمل و نقل، رفت و آمد
train	قطار
translate	ترجمه کردن
trash	آشغال
travel	مسافرت کردن
treat	رفتار کردن
treat	درمان کردن
tree	درخت
triangle	مثلث
trip	گردش کردن، گردش
truck	بارکش، کامیون
true	درست، صحيح، واقعي
truth	حقيقت
try	کوشش، تلاش، کوشش کردن
t-shirt	پیراهن آستین کوتاه
Tuesday	سه شنبه
turn	نوبت
turn	برگرداندن، پیچاندن، گشتن، چرخیدن، گرداندن
TV	تلویزیون

twice	دومرتبه
type	نوع، قسم، رقم، گونه
type	تایپ کردن، ماشین تحریر، ماشین کردن

u

ugly	زشت رو، بد چهره
umbrella	چتر
uncle	عمو، دایی
under	زیر، ما تحت
understand	فهمیدن، متوجه شدن
underwear	زیر پوش، زیرجامه، لباس زیر
university	دانشگاه
unmarried	مجرد
unoccupied	اشغال نشده، خالی، بدون مستاجر
until	تا، تا اینکه، وقتی که، تا وقتی که
up	بالا، روی، بالایی
upstairs	طبقه بالا
us	ما را، بما، خودمان، نسبت بما
use	استفاده کردن
useful	مفید، قابل استفاده
useless	غیر مفید، غیر قابل استفاده
usually	معمولا

v

vacant	خالی، اشغال نشده (اتاق، صندلی ...)
vacation	مرخصی گرفتن، به تعطیل رفتن
vacuum	خلاء، فضای تهی، ظرف یا جای بی هوا جاروی برقی، با جاروی برقی تمیز کردن
vase	گلدان
vegetables	سبزیجات
very	بسیار، خیلی، بسی، چندان، فراوان، زیاد
village	روستا
vegetarian	گیاه خواری (رژیم غذایی)
visit	دیدن کردن از، ملاقات کردن، زیارت کردن، عیادت کردن، سرکشی کردن، دید و بازدید کردن، ملاقات، عیادت، بازدید، دیدار
vitamins	ویتامین
voice	صدا، صوت
vote	رای، رأی دادن
Vein	رگ، ورید

w

wait	انتظار ، صبر ، معطلی
waiter	پیشخدمت مرد
waitress	پیشخدمت زن
walk	راه رفتن
wall	دیوار
wallet	کیف پول، کیف جیبی
want	خواست، خواسته، خواستن، لازم داشتن، نیازمند بودن به
war	جنگ، جنگیدن
warm	گرم
wash	شستن
watch	پاییدن، مراقبت کردن، مواظب بودن، بر کسی نظارت کردن ساعت جیبی و مچی، ساعت
water	آب
we	ما
weak	کم مقاومت، سست، کم دوام، ضعیف، کم بنیه، کم زور
weather	آب و هوا
website	درگاه اینترنتی
wedding	جشن عروسی، عروسی
wednesday	چهارشنبه
week	هفته
weekend	تعطیلی آخر هفته
well	راحت، بسیار خوب، به چشم، اوه، خیلی خوب
west	غرب
wet	خیس، مرطوب
What?	علامت استفهام، حرف ربط، چه، کدام،

	چقدر، هرچه، آنچه، چه اندازه، چه مقدار؟
wheel	چرخ رل ماشین
When?	کی؟ چه زمانی؟
Where?	کجا؟
Which?	کدام؟
Which?	کدام؟
white	سفید
Who?	چه کسی؟
whose	مال چه کسی، مال کی؟
Why?	چرا؟
wide	پهن، عریض، گشاده، وسیع
wife	همسر (زن)
win	بردن، پیروز شدن، فاتح شدن
wind	باد
window	پنجره
windy	بادی، طوفانی
winner	برنده، فاتح
winter	زمستان
wagon	واگن (قطار و...)، با واگن حمل کردن
wish	ارزو داشتن، ارزو کردن، ارزو، خواهش
with	با، به همراه
without	بدون، فاقد
woman	زن
women	زنان
wood	چوب
woods	جنگل مصنوعی
word	لغت، واژه
work	کار، شغل
workplace	محل کار
world	دنیا، جهان
worse	(وجه تفضیلی bad)، بدتر، وخیم تر، بدتری
Wow!	فریاد حاکی از خوشحالی و تعجب و حیرت، چیز جالب، موفق شدن
worst	بدترین، بدتر از همه
write	نوشتن
wrong	غلط

X

X ray

اشعه ایکس

Y

yawn	دهن دره كردن، خميازه كشيدن
year	سال
yellow	رنگ زرد
yes	بله، آري
yesterday	ديروز
yet	هنوز
you	تو، شما
young	جوان
your	مال شما، مربوط به شما، متعلق به شما
yard	محوطه، ميدان
yourself	خود شما، شخص شما (مفرد)
yourselves	خودتان، خود شما (جمع)

Z

Zero	صفر، هيچ
zoo	باغ وحش

آشنایی با مولف:

پوریابزرعلی (زرا)

متولد 1362- کرمان

کارشناس مهندسی کشاورزی

(کرایش زراعت و اصلاح نباتات)

کارشناس ارشد بیوتکنولوژی

کارشناس ارشد فلسفه

مبتکر، محقق، پژوهشگر، مؤلف، مترجم

راههای ارتباط با من:

www.zarrad.blogfa.com

pooryabarzali@gmail.com

